

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آندره ویچک
برگردان از: حمید محوی
۰۹ نومبر ۲۰۱۹

چرا باید ایران را گرامی داشت و از آن دفاع کرد؟

مرکز پژوهشهای جهانی سازی، ۳۱ جولای ۲۰۱۹



پیشگفتار مترجم :

آندره ویچک فیلسوف، رمان نویس، تهیه کننده و روزنامه نگار تجسسی ست. او مناطق جنگی را در دوازده کشور پوشش خبری داده است. سه کتاب از آخرینهایش عبارتند از «انقلاب بزرگ سوسیالیست اکتوبر»، رمان انقلابی «آورورا» و پر فروش ترین پرونده تاریخی «درنگ هائی درباره دروغ های امپراتوری». در اینجا باید از مصاحبه او با نوآم چامسکی نیز یاد کنیم که زیر عنوان «غرب تروریست. از هیروشیما تا جنگ پهبادهای» به سال ۲۰۱۳ (ترجمه فرانسه ۲۰۱۵) منتشر شده.

از تیترا نوشته های آندره ویچک آشکار است که به کدام گروه از روزنامه نگاران حرفه ئی تعلق دارد و به همین علت نیز مترجم تا جائی که فرصت داشته مقاله های این نویسنده را به سهم خود به فارسی ترجمه کرده است : «جهان در آتش و چپ غربی غرق در وراجی»، «عارضه شناسی غرب ابتلاء به اختلال شخصیتی سادیک»، «صلح یک کلیشه است و جنگ به معنای آن وقتی ست که غرب نتواند بی آن که با مقاومت روبه رو شود جهان را کنترل کند»، «دروغ های امپریالیسم غرب»، «سگ جنگی امریکا می خواهد گاز بگیرد»، «نفرت غرب از چین».

در جست و جوهای انترنتی نیز نوشته های دیگری از او می یابیم و چهره ناشناخته ای نیست. ولی هنوز کسی به فکر ترجمه کتابهای او نبوده است. در حالی که به نظر می رسد آندره ویچک به ایران نیز سفر کرده و با برخی از

محافل ایرانی رابطه دوستانه دارد، البته من از اینگونه روابط و مناسبات او با ایرانیان بی اطلاع ولی آنچه از متن حاضر بر می آید این است که ایران را خیلی دوست دارد... در نتیجه مقاله حاضر در ادامه فهرست مقاله های او در بالا واقع شده با وجود این در خواندن برخی جملات خوانندگان و خصوصاً اردوگاه چپ ایرانی و آنانی که مثل خود من به کمتر از الغای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و حذف کامل تروریسم طبقاتی و یعنی پایان روزمرگی های جامعه طبقاتی به رهبری حزب طبقه کارگر و تمدن سازان رضایت نمی دهند ممکن است باز هم مثل خود من با خواندن برخی مطالب مانند « ولی ایران یک کشور سوسیالیستی ست»...، شگفت زده شوند. نکته این است که من فقط نوشته او را در اینجا ترجمه کرده ام، البته هر چیزی را هم ترجمه نمی کنم و ترجمه های من همیشه هدفمند بوده، با این وجود داوری نهائی با خوانندگان است ولی فکر می کنم که بهتر است روی موضوع اصلی او متمرکز شویم و ابراز نگرانی آندره ویچک درباره خطر جنگ علیه ایران را مد نظر قرار دهیم، و با آگاهی به این امر که او برای ایرانی ها ننوشته و مخاطبان او بیشتر غربی ها هستند. و چه بسا که جمله یاد شده در بالا را تا بتوانیم تا حدودی به این دلیل که ایران [سرمایه داری وحشی و وابسته اسلامی] را با چین کمونیست مقایسه کرده تا حدودی از او بپذیریم. به این دلیل که، برای مثال درباره ماجرای محاکمه اختلاس سه میلیارد دلاری مه آفرید امیر خسروی که به اعدام او انجامید، یکی از رفقاء بر این باور بود که «جمهوری اسلامی از روش چینها استفاده می کند». در هر صورت روشن است که با باستی هلیز و با خصوصی سازی، و این هم به شکل کاملاً مصنوعی و غیر واقعی ستراتیژیک ترین مسائل در ایران مانند آموزش و بهداشت و مسکن و حتا امور مربوط به دفاع ملی هیچ شباهتی به سوسیالیسم ندارد. و طبقه حاکم بر اقتصاد بیشتر شبیه یک باند تبهکار بی وطن است که به مدد دستگاه دین اسلام می خواهد در وابستگی به غرب اهرمهای کشور را قبضه کند (و به عکس، یعنی دستگاه دین اسلام است که می خواهد در تبنانی با این تبهکاران به حیات خود ادامه دهد). و اگر به حرفها و جزئیاتی که استادانی مانند یوسف ابزاری برای مثال درباره سیستم اجاره نشینی در ایران مطرح می کند گوش کنیم، نتیجه می گیریم که این نظام مالکیت عین آزار و اذیت روانی عمدی (و بخوانید سیستمیک) علیه بخش عظیمی از مردم اجاره نشین بوده و مالکیت خصوصی به ابزار کنترل و سرکوب و فربه کردن هر چه بیشتر مالکان تبدیل شده است. در نتیجه از خوانندگان تقاضا دارم که آندره ویچک را با تمرکز روی برخی جملات در این مقاله کوتاه پنالیزه نکنید.



در حالی که سرگرم نوشتن این مقاله کوتاه هستم، ایران در مقابل قدرتمندترین ملت جهان مقاومت می کند. ایران با خطر بسیار بزرگی برخوردار کرده است، خطر از بین رفتن و با این وجود جهان برای بیدار شدن و عجله در کمک رسانی هایش تأخیر می کند.

شهرهای بی بدیل ایران در خطر اند، ولی به ویژه مردم مغرور و زیبا، خلاق، رشد کرده در قدیمی ترین فرهنگها و عمیقترین های سراسر کره زمین.

یادآوری به همه جهان: ایران شاید بمباران و تخریب شود، ایرانی می تواند به شکل فوق العاده ای مجروح شود، بی هیچ دلیلی. تکرار می کنم: هیچ دلیل خردمندانه ای برای حمله به ایران وجود ندارد.

ایران هرگز به هیچ کس حمله نکرده است. ایران هیچ عمل شرورانه ای علیه ایالات متحده، بریتانیا یا حتی کشورهای آن را فوراً تخریب کنند مانند عربستان سعودی یا اسرائیل انجام نداده است. یگانه «جنایت» ایران کمک به سوریه در هم شکسته بوده است و به شکل جدی ایستادن در کنار فلسطین. و «جنایت» یاری رساندن به چندین ملت بسیار دور از خود مانند کوبا و ونزوئلا بوده وقتی که قویاً در تنگنا به سر می بردند و به کمک نیاز داشتند.

من سعی می کنم ساده ترین کلمات را انتخاب کنم. نیازی به پشتک و واروهای ذهنی نیست. هزاران، میلیونها ایرانی به زودی در خطر مرگ قرار می گیرند، تنها به این یک که یک پسیکوپات کاخ سفید را اشغال کرده و فقط می خواهد رئیس جمهور پیشین را که توافق هسته ئی را امضاء کرده تحقیر کند. این گزارش توسط کارمند خودش فاش شده است. موضوع این نیست که بدانیم گنده ترین گانگستر کیست. موضوع این واقعیت دهشتناک است که دشمنی با ایران مطلقاً هیچ ارتباطی با خود ایران ندارد.

آنچه من را به پرسش وامی دارد این است که حقیقتاً ما در کدام جهان زندگی می کنیم؟ آیا چنین امری پذیرفتنی است؟ آیا جهان می تواند دست روی دست بگذارد و ببیند که چگونه به یکی از بزرگترین کشورهای جهان با نیروهای تهاجمی و خشن، بی هیچ دلیل موجهی تجاوز می شود؟

من ایران را دوست دارم، سینمایش را دوست دارم، شعرها و خوراکی هایش را. تهران را دوست دارم. و مردم ایران را دوست دارم با روحیه مؤدبانه و با تربیت. متفکرانشان را دوست دارم و نمی خواهم اتفاق بدی برای آنها بیفتد.

می دانید، رسانه های غربی البته هرگز این را به شما نگفته اند، ولی ایران یک کشور سوسیالیستی است. نظامی را تبلیغ می کند که می توانیم آن را «سوسیالیست با ویژگی های ایرانی» تعریف کنیم. مانند چین، ایران یکی از قدیمی ترین ملتهای جهان است، و کاملاً قابلیت این را دارد که نظام اقتصادی و اجتماعی خودش را توسعه دهد.

ایران ملتی فوق العاده موفق است. با وجود محاصره و تهدیدات خیلی جدی غرب همواره در آستانه «گسترش انسانی خیلی فوق العاده» قرار دارد، به تعریف برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد PNUD خیلی فراتر از عزیز دردانه های غرب مانند اکراین، کلمبی یا تایلند.

ایران به وضوح دارای روحیه انترناسیونالیست است: ایران آزمون همبستگی بزرگی را با کشورهایی که زیر ضرب غرب امپریالیست بودند به ویژه کشورهای امریکای لاتین را پشت سر گذاشته است.

من بی دین هستم. در ایران، مردم دین دارند. مسلمانان شیعه هستند. Et alors (و بعد؟). من اصراری ندارم که همه مثل من فکر کنند و دوستان، رفقاء، برادران و خواهران ایرانی ام هرگز اصراری نداشتند که من مثل آنها فکر کنم، متعصب نیستم، و کاری نمی کنند که آنانی که مثل خودشان نیستند احساس کنند که حذف شده هستند. ما متفاوت هستیم و با وجود این مثل یکدیگریم. برای جهانی بهتر مبارزه می کنیم. ما انترناسیونالیست هستیم. متقابلاً به یک دیگر احترام می گذاریم. ما به دیگران احترام می گذاریم.

ایران نمی خواهد هیچ کشوری را تسخیر کند. ولی وقتی دوستانش مورد حمله قرار می گیرند، آستینهایش را بالا می زند. مثل کاری که برای سوریه انجام داد.

در گذشته، به استعمار غرب درآمده بود، و دولت دموکراتیک ایران در سال ۱۹۵۳ سرنگون شد فقط به این علت که می خواست از منابع طبیعی اش برای بهزیستی مردمش استفاده کند. دیکتاتوری بیمار گونه شاه پهلوی در خارج مستقر شده بود و بعد، بعداً یک بار دیگر، جنگ مصیبت بار عراق علیه ایران با پشتیبانی تمام و کمال و آشکار غرب در گرفت.

قول دادم مختصر بنویسم. فرصتی برای مناجات طولانی نیست و در واقع، اصلاً نمی خواهم مقاله بنویسم : فراخون است.

در هنگام اعمال فشار، بسیاری از مردم ایران نگران هستند و نمی دانند چه جرمی از آنان سر زده که سزاوار چنین رفتاری شده اند : مجازاتها. ناو هواپیمابر در سواحل آنان و ب ۵۲ های مرگبار در پایگاه های نچندان دور. ایرانیان مردمان شجاع و مغروری هستند. اگر به آنان حمله شود مبارزه خواهند کرد و اگر هیچ آلترناتیو دیگری وجود نداشته باشند شرافتمندانه پذیرای مرگ خواهند شد.

ولی چرا ؟ چرا باید بجنگند و چرا باید بمیرند ؟

بین شما، خوانندگان من که در غرب زندگی می کنید : بررسی کنید، فوراً بررسی کنید.. و این پرسش را برای دولت خودتان مطرح کنید : « علت این سناریوی دهشتناک چیست ؟ »

فلمهای ایرانی را اجاره کنید، آنها در همه فستیوالها برنده اند. شاعران ایرانی را بخوانید. بروید و غذاهای ایرانی بخورید. تصاویر شهرهای تاریخی و مدرن ایران را ببینید. چهره مردم را ببینید. اجازه ندهید که چنین حادثه ای روی دهد. اجازه ندهید که گفتمان پسیکوپات میلیونها زندگی را نابود کند.

جنگ علیه عراق، افغانستان، لیبیا و سوریه توجیه پذیر نبود. غرب با مصیبت بار ترین مداخلات امپریالیستی کشورهای را کاملاً به ویرانه تبدیل کرد.

ولی ایران دورتر خواهد رفت و این فقدان کامل منطق و مسئولیت در غرب است. در اینجا، من پشتیبانی ام را از ملت ایران اعلام می کنم، پشتیبانی از کشوری که طی هزاران سال گنجینه های فرهنگی بی شماری به جهان عرضه کرده است. زیرا من تردید دارم که اگر ایران نابود شود، نوع بشر بتواند به حیاتش ادامه دهد.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/pourquoi-liran-devrait-il-etre-cheri-et-defendu/5635823>

پاریس، ۸ نومبر ۲۰۱۹

یادداشت:

ما هم به نوبه خود ضمن آن که مواضع ضد امپریالیستی و ضد جنگ های تجاوزکارانه امپریالیزم علیه خلقهای جهان را تأیید و ستایش می کنیم، صریحاً باید بنویسیم که با تحلیل هایش از ساختار های اقتصادی و اجتماعی ایران موافق نبوده، موضعگیری سالم مترجم را با افکار و نظریات خود بیشتر در انطباق می بینیم تا شناخت حسی نویسنده مقاله.

اداره پورتال AA-AA